

Re-reading Spatial Narrativity in Iranian Art Deco Architecture with Emphasis on the Relationship between Form, Meaning, and Narrative

1. Nima Hoqouqnia : Department of Architecture, NT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Mahnaz Mahoudi Zarandi *: Department of Architecture, NT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Neda Ziabakhsh : Department of Architecture, Ro.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email Address: M_mahmoodi@iau-tnb.ac.ir

How to Cite: Hoqouqnia, N., Zarandi, M. M., & Ziabakhsh, N. (2025). Re-reading Spatial Narrativity in Iranian Art Deco Architecture with Emphasis on the Relationship between Form, Meaning, and Narrative. *Manifestation of Art in Architecture and Urban Engineering*, 3(3), 1-22.

Abstract:

The present study aims to analyze the triad of form, meaning, and narrative in Iranian Art Deco architecture in order to elucidate the narrative capacities of architecture within the cultural and historical context of the country through an examination of prominent examples of this style in Tehran. The research adopts a qualitative, review-analytical, and comparative approach and is conducted through documentary analysis, examination of architectural plans and visual documents, and case study analysis of buildings such as Radio City Cinema, the Jeep Building, and Laleh Guesthouse. In this study, characteristics such as symmetry, geometric forms, symbolic entrances, spatial sequencing, and thematic ornamentation are identified as narrative-generating components within the spatial structure. The findings indicate that Art Deco architecture in Iran is not merely a reflection of Pahlavi-era modernity, but also plays an effective role in the production of cultural meanings, the representation of collective memory, and the shaping of urban experience. This research provides a theoretical framework for reinterpreting narrative in contemporary Iranian architecture and lays the groundwork for comparative studies across other cities and architectural styles.

Keywords: Art Deco architecture; spatial narrativity; form and meaning; collective memory; contemporary Tehran

Received: 13 August 2025

Revised: 25 November 2025

Accepted: 03 December 2025

Published: 23 September 2025



بازخوانی روایت‌مندی فضا در معماری آرت‌دکو ایران با تأکید بر پیوند میان فرم، معنا و روایت

۱. نیما حقوقی نیا^{id}: گروه معماری، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. مهناز محدودی زرنیدی^{id}: گروه معماری، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

۳. ندا ضیاءبخش^{id}: گروه معماری، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

*پست الکترونیک نویسنده مسئول: M_mahmoodi@iau-tnb.ac.ir

نحوه استناددهی: حقوقی نیا، نیما، محدودی زرنیدی، مهناز، و ضیاءبخش، ندا. (۱۴۰۴). بازخوانی روایت‌مندی فضا در معماری آرت‌دکو ایران با تأکید بر پیوند میان فرم، معنا و روایت. تجلی هنر در معماری و شهرسازی، ۳(۳)، ۲۲-۱.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل سه‌گانه‌ی فرم، معنا و روایت در معماری آرت‌دکوی ایران انجام شده است، تا از طریق بررسی نمونه‌های شاخصی از این سبک در تهران، قابلیت‌های روایت‌پذیر معماری در بستر فرهنگی و تاریخی کشور تبیین شود. رویکرد پژوهش کیفی، مروری-تحلیلی و تطبیقی است و از طریق تحلیل اسنادی، بررسی نقشه‌ها، اسناد تصویری و تحلیل نمونه‌های موردی همچون سینما رادیوسیتی، ساختمان جیب و مهمان‌پذیر لاله انجام گرفته است. در این تحقیق، شاخصه‌هایی مانند تقارن، فرم‌های هندسی، ورودی‌های نمادین، توالی فضایی و تزینات تماتیک به‌عنوان مؤلفه‌های روایت‌ساز در ساختار فضایی مورد شناسایی قرار گرفتند. نتایج نشان می‌دهد که سبک آرت‌دکو در ایران نه تنها بازتابی از مدرنیته‌ی دوره پهلوی است، بلکه در خلق معناها و فرهنگی، بازنمایی حافظه‌ی جمعی و تجربه‌ی شهری نقشی مؤثر ایفا کرده است. این پژوهش چارچوبی نظری برای بازخوانی روایت در معماری معاصر ایران فراهم می‌آورد و زمینه را برای مطالعات تطبیقی در شهرها و سبک‌های دیگر فراهم می‌سازد.

کلیدواژه‌گان: معماری آرت‌دکو، روایت‌پذیری فضایی، فرم و معنا، حافظه جمعی، تهران معاصر

تاریخ دریافت: ۲۲ مرداد ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۴ آذر ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۲ آذر ۱۴۰۴

تاریخ انتشار: ۱ مهر ۱۴۰۴



مطالعه معماری، در گذار از فرم‌گرایی صرف، در سال‌های اخیر به سوی درک و تبیین لایه‌های معنایی و روایت‌محور سوق یافته است. در این راستا، مفهوم «روایت‌مندی فضا» به‌مثابه بستری برای تلاقی میان فرم کالبدی، تجربه حسی و حافظه جمعی، جایگاهی ویژه در گفتمان‌های نظری معماری یافته است (3-1). از سوی دیگر، بازخوانی سبک‌های تاریخی چون آرت‌دکو در معماری ایران، نه تنها به بازشناسی میراث مدرن ایران می‌انجامد، بلکه زمینه‌ای برای تحلیل روایت‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی شکل‌گرفته در بستر شهری فراهم می‌آورد (4, 5).

سبک آرت‌دکو، برخاسته از جریان‌های مدرن‌گرایی اوایل قرن بیستم در اروپا، با ویژگی‌هایی چون ترکیب هندسه تزئینی، خطوط شکسته، و مصالح نوین، به‌ویژه در معماری نهادهای دولتی و فضاهای شهری ایران در دوره پهلوی اول و دوم ظهور یافت (8-6). در فاصله زمانی دهه ۱۳۴۰ تا ۱۳۸۰، آثار شاخصی در تهران، یزد، تبریز و سایر شهرها، با درون‌مایه‌های آرت‌دکو، اما متأثر از زمینه‌های بومی، فرهنگی و سیاسی، شکل گرفتند (گودرزی، ۱۴۰۱؛ ایرجی، ۱۳۸۷؛ ثبات‌ثانی، ۱۳۹۱). با این حال، علی‌رغم پژوهش‌هایی پیرامون سبک‌شناسی یا تحلیل کالبدی آثار آرت‌دکو در ایران، پیوند این سبک با مقوله «روایت» و نقش آن در تولید معنا در معماری به شکل نظام‌مند مورد واکاوی قرار نگرفته است (11-9). در واقع، پرسش اصلی آن است که فضاهای معماری آرت‌دکو در ایران چگونه روایت‌پذیر بوده‌اند و فرم، نماد و بازنمایی چگونه در خدمت تولید معنا قرار گرفته‌اند؟ پژوهش‌های نظری نشان داده‌اند که روایت در معماری، همچون ادبیات یا سینما، واجد ساختاری سه‌لایه شامل رخداد، توالی و شخصیت (14-12) است. در فضای معماری، این عناصر می‌توانند در قالب مسیر حرکتی، تجربه حسی و نمادهای تصویری بازنمایی شوند (17-15). با این رویکرد، می‌توان معماری را چونان روایتی در نظر گرفت که میان فرم کالبدی و تجربه زیسته انسان نوعی تعامل معناگرایانه ایجاد می‌کند (18, 19).

مطالعات روایت‌محور در معماری معاصر ایران نیز بر اهمیت نقش حافظه جمعی، نشانه‌گذاری مکانی و تعامل سوژه با فضا تأکید دارند (23-20). به‌ویژه در معماری دهه‌های پهلوی دوم، روایت‌های ملی‌گرایانه، توسعه‌محور و مدرن‌گرایانه در لایه‌های فضایی نهفته‌اند (24, 25). این مسئله در سبک آرت‌دکو، که به‌عنوان یکی از شاخه‌های مدرن تلقی می‌شود، با مضامین اقتدار، پیشرفت، نظم و زیبایی‌شناسی صنعتی نمود یافته است (بانکی‌زاده، ۱۳۸۳؛ کرتیس، ۱۳۸۲). از سوی دیگر، برخی نظریه‌پردازان روایت در معماری همچون Nazidizaji (۲۰۱۵) و Lyu (۲۰۱۹)، سازوکارهای انتقال معنا را در طراحی معماری شامل ساختار روایی، انتخاب نمادها و ترکیب فضایی دانسته‌اند (9, 10). در این چارچوب، آرت‌دکو ایرانی را می‌توان نوعی سبک ترکیبی دانست که از سویی متأثر از آموزه‌های بیوزارت، مدرنیسم اروپایی و روایت‌های فرادولتی است (5, 26)، و از سوی دیگر در بستر فرهنگ ایرانی معناهای جدیدی را تولید کرده است (4, 27). افزون بر این، در سال‌های اخیر تأکید بر نقش روایت در تولید فضا در جریان‌هایی چون معماری تفسیری، روایت‌محور یا معماری تجربی نیز شدت گرفته است (11, 28). این دیدگاه‌ها، درک از فضا را نه فقط به‌عنوان جسم فیزیکی، بلکه به‌مثابه بستری برای روایت‌های فردی، اجتماعی و فرهنگی تعریف می‌کنند. از این منظر، تحلیل معماری آرت‌دکو ایران، بدون توجه به مؤلفه‌های روایتی، تحلیلی ناقص و سطحی خواهد بود.

¹ narrativity of space

پژوهش حاضر با هدف پر کردن خلأ مذکور، تلاش دارد تا با اتخاذ رویکردی بین‌رشته‌ای، به بازشناسی شاخصه‌های روایت‌مندی در معماری آرت‌دکو ایران بپردازد. در این مسیر، سه مؤلفه اصلی تحلیل یعنی فرم، معنا و روایت به‌مثابه حلقه‌های پیونددهنده ساختار معماری و تجربه مخاطب در نظر گرفته شده‌اند. در واقع، پژوهش بر آن است تا نشان دهد چگونه این سبک معماری، با بهره‌گیری از فرم‌های نمادین، تقارن‌های معنابخش، و عناصر تصویری، به تولید روایت‌هایی درباره نظم، مدرنیته، قدرت یا نوگرایی در بافت شهری ایران پرداخته است (6, 29-32). مقاله پیش‌رو در پنج بخش سازمان‌دهی شده است: بخش دوم به بررسی مبانی نظری شامل نظریه‌های روایت، معماری روایت‌مند و مفهوم معنا در فضا اختصاص دارد؛ بخش سوم، روش‌شناسی تحلیل فرم-معنا-روایت را تشریح می‌کند؛ در بخش چهارم، نمونه‌های معماری آرت‌دکو ایرانی از دهه‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۸۰ تحلیل شده‌اند؛ بخش پنجم به تحلیل نتایج و ارائه مدل مفهومی اختصاص دارد؛ و در نهایت، نتیجه‌گیری پژوهش و پیشنهادهایی برای تحقیقات آتی مطرح می‌گردد.

مبانی نظری و ادبیات پژوهش

سبک آرت‌دکو در معماری ایران

سبک آرت‌دکو (Art Deco) یکی از جریان‌های مهم هنری و معماری در قرن بیستم است که ریشه‌های آن به نمایشگاه بین‌المللی هنرهای تزئینی و صنعتی مدرن پاریس در سال ۱۹۲۵ بازمی‌گردد. این سبک از اواخر دهه ۱۹۲۰ تا اوایل دهه ۱۹۴۰ گسترش یافت و به‌طور خاص در دوران میان‌دو جنگی به یکی از شاخص‌ترین جلوه‌های نوگرایی بدل شد. ویژگی‌های بارز آن شامل بهره‌گیری از اشکال هندسی، تقارن، خطوط قائم و زاویه‌دار، و استفاده از مصالح نوینی چون آلومینیوم، کروم، بتن، شیشه و لعاب‌های براق است (11, 33). آرت‌دکو در ذات خود تلفیقی از صنعت‌گرایی مدرن و تزئینات سنتی بود که برخلاف مینیمالیسم جنبش مدرن اولیه، به جنبه‌های تزئینی اهمیت می‌داد. در واقع، آرت‌دکو بر پایه اصل «زیبایی کاربردی» بنا شده بود که همزمان عملکردگرایی و آرایه‌گری را به رسمیت می‌شناخت.

ورود سبک آرت‌دکو به ایران هم‌زمان با آغاز دوران پهلوی اول صورت گرفت؛ دورانی که گفتمان مدرنیزاسیون در ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور گسترش یافته بود. حکومت پهلوی تلاش می‌کرد تا با فاصله گرفتن از مظاهر سنتی قاجاری، تصویری از ایران مدرن و متمایل به غرب را بازتاب دهد. در این چارچوب، معماری نیز به‌عنوان ابزاری برای نمایش این تغییرات به کار گرفته شد (ثبات‌ثانی، ۱۴۰۲). معماران ایرانی و خارجی فعال در آن دوره، همچون وارطان هوانسیان، نیکلای مارکوف و ماکسیم سیرو، سبک آرت‌دکو را با تلفیق الگوهای بومی و ملی در بناهایی چون مدارس، سینماها، ایستگاه‌های راه‌آهن، بانک‌ها و هتل‌ها اجرا کردند. به‌عنوان مثال، ساختمان سینما رادیوسیتی و ایستگاه راه‌آهن تهران، نمایانگر استفاده از الگوهای تزئینی هندسی، خطوط افقی-عمودی برجسته، پنجره‌های متقارن و متریال‌های نوین در معماری آن دوره هستند (موزن و رئیس، ۱۴۰۲). در تطبیق آرت‌دکو با بستر فرهنگی ایران، می‌توان ویژگی‌های زیر را شناسایی کرد:

- استفاده از فرم‌های هندسی ساده و منظم: اغلب در قالب مستطیل، دوزنقه و نیم‌دایره که در نمای بیرونی تکرار می‌شوند.
- ترکیب تزئینات مدرن با نمادهای ایرانی: همچون استفاده از موتیف‌های تخت جمشیدی، عناصر خوش‌نویسی، یا اشکال سنتی ایرانی در قالب جدید.
- کاربرد مصالح نوین: نظیر بتن، کاشی‌های لعاب‌دار، شیشه رنگی و فلزات در تزئینات نما.

• تأکید بر ارتفاع و تقارن: که در نماها و پلان‌ها با محورهای عمود بر هم قابل مشاهده‌اند.

• توجه به عملکردگرایی: در کنار زیبایی‌شناسی، فضاها بر اساس نیازهای کارکردی نوین (سالن، ادارات، ایستگاه‌ها) طراحی می‌شدند.

برخی پژوهشگران چون مختاری (۱۳۹۱) و قبادیان (۱۳۹۲) به تحلیل نحوه‌ی بومی‌سازی آرت‌دکو در ایران پرداخته‌اند. در حالی که مختاری معتقد است که این سبک بیشتر در لایه‌ی سطحی معماری ایران ظاهر شد و نتوانست ریشه‌های فرهنگی و اقلیمی معماری ایرانی را در خود جای دهد، قبادیان دیدگاهی متفاوت دارد و معتقد است که آرت‌دکو توانست با ایجاد بیانی جدید، نماینده‌ی گذار از سنت به مدرنیته در ایران باشد. از دیدگاه جامعه‌شناختی، این سبک بازتاب‌دهنده‌ی چالش میان «نمایش قدرت مدرن» و «حفظ هویت ملی» در فضای معماری است؛ چالشی که در بسیاری از آثار آن دوره نمایان است (سروش‌یانی و همکاران، ۱۳۸۷). در نهایت آرت‌دکو در ایران تنها یک سبک وارداتی نبود، بلکه با شرایط فرهنگی، سیاسی و اجتماعی خاص آن دوران همگرا شد و در بستر خاص خود بازتعریف گردید. تلفیق زیبایی‌شناسی غربی با فرم‌ها و نشانه‌های سنتی ایرانی، این سبک را به ابزاری برای بیان یک روایت مدرن از ایران در حال توسعه بدل کرد.

جدول ۱. ویژگی‌ها، نمونه‌ها و نقدهای سبک آرت‌دکو در معماری ایران (32-36)

ویژگی کلیدی سبک آرت‌دکو	تجلی در معماری ایران	نمونه‌های معماری	دیدگاه‌های انتقادی
استفاده از اشکال هندسی	فرم‌های تکرارشونده در نما	ایستگاه راه‌آهن تهران	توجه به فرم بیش از معنا (37)
تزئینات سمبلیک و ملی	بهره‌گیری از موتیف‌های تخت‌جمشیدی	سینما رادیوسیتی	بیان روایت ملی‌گرایانه (32)
مصالح نوین	بتن، فلز، کاشی لعاب‌دار	بانک ملی میدان توپخانه	عدم هم‌خوانی اقلیمی (38)
ترکیب عملکرد و زیبایی	فضاهای چندمنظوره با تزئینات	هتل پالاس تهران	تعامل سنت و مدرنیته (11)
نمایش قدرت و مدرنیسم	مقیاس بزرگ، تقارن، نمای شهری	ساختمان جیب	سیاست‌زدگی فرم (39)

بازنمایی فرم و معنا در معماری آرت‌دکو ایران



معماری آرت‌دکو در ایران، به‌ویژه در دوران پهلوی اول و دوم، به‌عنوان یکی از سبک‌های تأثیرگذار در شکل‌گیری هویت معماری مدرن ایرانی شناخته می‌شود (خاقانی و صالحی الشتی، ۱۳۹۵). این سبک، به‌واسطه‌ی ویژگی‌های فرمالیستی خود از جمله خطوط صاف، تقارن، تکرار ریتمیک عناصر، و تزئینات ساده‌شده، توانست میان سنت‌های معماری ایرانی و اصول مدرنیسم غربی پیوندی برقرار کند (32). فرم در معماری آرت‌دکو ایران نه تنها نمود زیبایی‌شناسی است، بلکه به‌عنوان یک حامل معنا در بافت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی عمل کرده است. مطابق دیدگاه ایرجی (۱۳۸۷)، این فرم‌ها در عین پذیرش ساختارهای وارداتی، با نشانه‌های بومی چون نقوش هندسی اسلامی و کاشی‌کاری ساده‌شده ترکیب شده‌اند تا خوانشی ایرانی از آرت‌دکو شکل گیرد. بانکی‌زاده (۱۳۸۳) نیز بر این باور است که معماری آرت‌دکو ایرانی، برخلاف همتای غربی خود، بیشتر گرایش به درون‌گرایی و خلق هویتی تاریخی داشته است. با این حال، این دیدگاه مورد نقد ثبات‌ثانی (۱۴۰۲) قرار گرفته که معتقد است در بسیاری از پروژه‌های دهه ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷، فرم‌های آرت‌دکو بیشتر بازنمایی نوعی تکنوکراسی دولتی و نوسازی از بالا به پایین بوده‌اند تا بازتابی از سنت یا فرهنگ بومی (36).

از منظر معناشناسی، آرت دکو در ایران حامل روایت‌هایی از نوگرایی و قدرت حکومتی نیز بوده است. به‌ویژه در بناهای دولتی مانند ساختمان راه‌آهن تهران یا اداره پست مرکزی، فرم‌های بلند و عمودی، نماهای سنگی ساده، و استفاده از سمبل‌های کلاسیک به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که نظم، اقتدار و تجدد را القا کنند (38, 40). اما برخی پژوهشگران همچون پیشوائی و همکاران (۱۴۰۰) با تحلیل دوره‌ای این فرم‌ها، به این نتیجه رسیده‌اند که معناهای نهفته در این معماری دچار دگرگونی تدریجی شده‌اند و در دوران پهلوی دوم، از روایت دولت‌محور به روایات مصرف‌گرایانه و نمایشی نزدیک شده‌اند (21).

از زاویه نشانه‌شناسی، استفاده از عناصر فرمی مشخص نظیر قاب‌های عمودی پنجره‌ها، سردرهای برجسته و تکرار موتیف‌های هندسی، نوعی زبان بصری تولید کرده‌اند که به تعبیر بردن (۱۳۸۷)، یادآور ترکیب نشانه‌های قدرت و زیبایی‌شناسی مدرن است (41) اما همان‌طور که صادقی (۱۳۹۵) اشاره می‌کند، این زبان بصری در برخی بناهای التقاطی مانند آثار مارکوف، فاقد انسجام معنایی بوده و بیشتر ناشی از تقلید سبک غربی است تا بومی‌سازی آگاهانه (42). از سوی دیگر، سروشیانی و همکاران (۱۳۸۷) در تحلیل معماری وارطان هوانسیان، به فرم‌هایی اشاره می‌کنند که ضمن تبعیت از اصول آرت دکو، با جزئیات بومی نظیر آجرکاری ایرانی و تأکید بر نظم فضایی در پلان، نوعی هویت ترکیبی اما معنادار را بازنمایی می‌کنند (39). این دیدگاه، مورد تأیید ماجدی و حبیب (۱۴۰۲) نیز قرار گرفته که در پژوهش خود بر تأثیر سبک آرت دکو در شکل‌گیری هویت کالبدی دوره پهلوی دوم تأکید کرده‌اند (24). در کنار این تحلیل‌ها، برخی پژوهش‌ها همچون اثر مختاری (۱۳۹۰) با دیدگاه انتقادی‌تر به بازنمایی فرم در آرت دکوی ایرانی پرداخته و آن را بازتولید کلیشه‌های مدرنیسم اقتدارگرا دانسته‌اند که در آن شهروند نه خالق فضا، بلکه مصرف‌کننده منفعل آن است (37). از سوی دیگر، لیتنن (۱۳۸۸) در تحلیل هنر مدرن، معتقد است فرم در آرت دکو همواره حامل نوعی روایت از مدرنیته مطلوب است (43)، روایتی که در ایران نیز برای القای تصویر دولت توسعه‌گرا به کار گرفته شد (5).

از منظر نظریه روایت در معماری، فرم‌های آرت دکو در ایران واجد ساختارهای داستان‌پردازانه هستند؛ سردرهای بلند، خطوط صعودی، و چیدمان نمای خطی از بیرون به درون، همگی فضایی روایی خلق می‌کنند که به تعبیر Lyu (۲۰۱۹)، بازتاب تجربه‌ی مدرن‌شدن فرد در بستر شهری است. این دیدگاه توسط Nazidizaji (۲۰۱۵) نیز تأیید شده که فرم‌های معماری را به‌عنوان سازه‌هایی روایت‌پذیر تحلیل کرده و آنها را بستر تولید معنا می‌داند (9). در مجموع، معماری آرت دکو در ایران از مرحله تقلید صرف از فرم‌های غربی عبور کرده و در بسیاری از پروژه‌ها به ابزاری برای بازنمایی معناهای اجتماعی، هویتی و حتی روایی تبدیل شده است. با این حال، تنوع دیدگاه‌ها و نقدهایی که بر این فرایند وارد شده‌اند، نشان می‌دهند که این بازنمایی یک‌دست نبوده و بسته به بستر زمانی، طراح، نوع عملکرد فضا و مخاطب، معناهای متعددی را تولید کرده است.

جدول ۲. تطبیق ویژگی‌های فرمی و معنایی معماری آرت دکو در ایران با نمونه‌های شاخص (4, 7, 22, 32, 38)

نمونه موردی	ویژگی‌های فرمی آرت دکو	بازنمایی معنایی	موقعیت مکانی	تصویر
ساختمان جیب تهران	خطوط عمودی برجسته، حجم‌پردازی پلکانی، پنجره‌های کشیده عمودی	نماد قدرت صنعتی و پیشرفت	تهران، خیابان فردوسی	
دبیرستان البرز	تقارن محوری، استفاده از ستون‌های تزئینی و هندسه ساده	نظم، قدرت حکومتی، انتقال دانش نوین	تهران، میدان انقلاب	

	تهران، بلوار کشاورز	نمایش تجمل و نوگرایی معماری پهلوی	قالب بندی هندسی، تزئینات انتزاعی ساده شده، خطوط افقی و عمودی	هتل لاله (پیشین: هتل ایترنشنال)
	تهران، بازار بزرگ	تلفیق سنت و مدرنیته در اقتصاد نوین	تقارن، استفاده از موتیف های تکرارشونده، فرم های گوشه دار	بانک ملی شعبه بازار
	تهران، شمیرانات	فردگرایی، هویت مستقل خانوادگی	حجم سازی مکعبی، سطوح صاف و برجسته، استفاده از مصالح نو	خانه مهربانی
	تهران، میدان انقلاب	قدرت ملی، آموزش مدرن، سکولاریسم	ستون های ضخیم ساده، سردر هندسی، فرم ترکیبی نوگرایانه و تاریخی	دانشگاه تهران (ورودی اصلی)
	تهران، خیابان ناصرخسرو	بازنمایی نوسازی آموزشی و تغییرات فرهنگی	طاق های ساده شده، قالب بندی عمودی نما	مدرسه دارالفنون (تغییرات پهلوی)

روایت مندی فضا در معماری آرت دکو ایران

روایت مندی فضا به مثابه ابزاری برای خلق معنا و تقویت تجربه زیسته کاربر، جایگاهی فزاینده در گفتمان معماری معاصر یافته است (1, 44). در این میان، معماری آرت دکو ایران در دهه های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۰ ش، با بهره گیری از الگوهای فرمی نمادین، تزئینات رمزآلود و خوانش های گفتمانی از تاریخ و مدرنیته، بستری را فراهم آورد تا روایت های متکثر از «ایران مدرن» بازنمایی شوند (23, 45, 46). مفهوم روایت در معماری، برخلاف روایت در ادبیات، مبتنی بر تجربه زیسته، کنش حرکتی و رمزگشایی از نشانه های فضایی است (9, 10). معماری آرت دکو ایران، اگرچه ظاهراً ریشه در گرایش های فرمالیستی داشت، اما در لایه های زیرین خود، از طریق فرم های عمودی گرا، تزئینات هندسی، و محوریت دادن به عناصر ورودی و گذار، الگوهایی از «روایت ملی گرایانه» و «پیشرفت گرایی مدرن» را تولید کرد (6, 7).

از دیدگاه نظریه پردازانی چون Christian Norberg-Schulz، فضاها معماری واجد «معنا» هستند، نه صرفاً از رهگذر عملکرد، بلکه به واسطه پیوند با زمینه تاریخی، فرهنگی و ادراکی (47). در همین راستا، بسیاری از بناهای آرت دکوی تهران همچون سینما رادیوسیتی یا ساختمان جیب، با برجسته سازی نشانه های بصری چون تقارن، برجک های رأس دار و نقش مایه های صنعتی، بیانیه ای فضایی برای بازسازی هویت ملی در بستر شهر مدرن ارائه دادند (22, 23, 48). نقدهایی نیز بر این دیدگاه وجود دارد. برخی پژوهشگران مانند صادقی (۱۳۹۵) و ثبات ثانی (۱۳۹۱) بر این باورند که بسیاری از نمونه های معماری آرت دکو در ایران، فاقد انسجام روایتی بوده و تنها به بازتولید فرم های وارداتی محدود شده اند (35, 36, 42). این در حالی است که پژوهش هایی نظیر کیانی (۱۳۹۳) و

پیشوایی و همکاران (۱۴۰۰) با بررسی دقیق بافت شهری و کارکرد بنا، روایت‌مندی نهفته در سیر حرکتی، سازمان فضایی و ساختار نمایشی این آثار را تأیید کرده‌اند (21, 25). در سنت نظری روایت، Todorov (۱۹۷۱) و Prince (۱۹۸۲) ساختار روایت را متشکل از سه سطح توصیف می‌کنند: رخداد، توالی و دلالت (3, 12). در مطابقت با این الگو، معماری آرت‌دکو در ایران نیز می‌تواند به‌عنوان «روایت فضایی» بازخوانی شود که در آن ورودی‌ها به‌مثابه مقدمه، تالارها و فضاهای مرکزی به‌عنوان بخش گسترش‌یافته، و برجک‌ها یا سقف‌های تزئینی به‌مثابه اوج روایی شناخته می‌شوند. این ساختار در تحلیل‌های Qadir (۲۰۱۱) و Rowe & Chung (۲۰۲۴) درباره روایت در طراحی معماری نیز تأیید شده است (17).

جدول ۳. تحلیل تطبیقی ساختار روایتی در سه بنای شاخص آرت‌دکوی ایران (6, 13, 16, 22)

ویژگی روایتی	سینما رادیوسیتی	ساختمان جیب تهران	هتل لاله (وارطان)
نوع روایت فضایی	خطی، متوالی	تقابلی	دایره‌ای، محوری
ساختار فضایی مقدمه (ورودی)	ورودی تقارن‌محور با جزئیات تزئینی برجسته	پلکان مرکزی، نشانه‌گذاری فرمیک	ورودی در محور تقارن با تزئینات آرت‌دکو
اوج فضایی (نقطه تمرکز روایت)	سالن اصلی با گنبد تزئینی	حجم برجک مرکزی با نماد قدرت	لابی مرکزی با سقف بلند و نورگیر عمودی
نشانه‌های دلالتی	نشانه‌های مدرنیته، نور نئونی، نشانه‌شناسی فرهنگی دهه ۳۰	نمادهای پیشرفت صنعتی	ترکیب تزئینات سنتی و فرم مدرن، نشانه‌ی هویت نوین



همچنین، روایت‌مندی فضا در آرت‌دکو با مفهوم «حافظه جمعی» پیوند می‌خورد. فضاهایی که یادآور وقایع تاریخی، حضور گروه‌های اجتماعی یا فعالیت‌های خاص هستند، به بستری برای تداوم روایت‌ها بدل می‌شوند (14, 20). نمونه‌هایی مانند هتل لاله یا ساختمان مهمان‌پذیر تهران، فراتر از فرم، به نمادهایی از تغییرات اجتماعی در دهه‌های میانی قرن بیستم تبدیل شده‌اند (30, 49) نکته قابل تأمل آن‌که روایت‌مندی در معماری آرت‌دکو ایران غالباً با نوعی «دوگانگی» مواجه است: از یک سو تمایل به بازنمایی هویت ایرانی در فرم‌های نوین، و از سوی دیگر تلاش برای همگامی با مدرنیته غربی. این تضاد، که توسط نویسندگانی چون Akhgar & Moulis (۲۰۲۵) به‌عنوان «بحران روایت در معماری مدرن ایران» توصیف شده، زمینه‌ساز تولید فضاهایی با روایت‌های چندلایه و گاه متعارض شده است (5). در نتیجه، می‌توان اذعان کرد که معماری آرت‌دکو در ایران، گرچه وام‌دار سنت‌های فرمی غرب بود، اما در بستر اجتماعی-فرهنگی ایران، واجد نوعی «روایت فضایی بومی‌شده» است که در آن فرم، معنا و تجربه فضا به‌صورت تعاملی عمل می‌کنند. این روایت‌ها، در ترکیب با نشانه‌های تاریخی، ایدئولوژیک و زیبایی‌شناختی، معماری آرت‌دکو ایران را به بستری برای «بازخوانی هویت» در دوره‌ای بحرانی بدل ساخته‌اند.

جدول ۴. دلالت‌های فرهنگی در فرم و تزئینات معماری آرت دکوی ایران (5, 7, 24)

عنصر طراحی	منبع الهام فرهنگی	کارکرد معنایی	نمونه موردی
قاب‌بندی مقرنس‌وار	معماری صفوی	پیوند با میراث سنتی	هتل فردوسی
خطوط زاویه‌دار با الهام از تخت جمشید	باستان‌گرایی پهلوی	نمایش اقتدار تاریخی	ساختمان وزارت دارایی
تزئینات ساده‌شده اسلامی	خط کوفی، نقوش هندسی	تلفیق دین و مدرنیسم	سینما آزادی سابق

روش‌شناسی

در این پژوهش، از رویکرد مروری-تحلیلی با ماهیت کیفی و تطبیقی استفاده شده است. هدف از این روش‌شناسی، بررسی درهم‌تنیدگی فرم، معنا و روایت در معماری آرت دکوی ایران، از طریق تحلیل اسنادی و نمونه‌های موردی است. این رویکرد امکان درک عمیق‌تر از مفاهیم نهفته در شکل‌گیری فضا، خوانش نشانه‌شناختی و رمزگان‌های روایتی معماری را فراهم می‌سازد (11). این تحقیق در زمره مطالعات کیفی قرار می‌گیرد که از روش مرور نظام‌مند منابع و تحلیل تطبیقی نمونه‌های موردی بهره می‌برد. مقاله حاضر در پی بازشناسی مؤلفه‌های روایی در بستر فرم و معنا در معماری آرت دکوی ایران است و با تحلیل‌های تفسیری و مقایسه‌ای به نتایج نظری می‌رسد. پژوهش درصدد ایجاد چارچوبی مفهومی برای تبیین روایت‌پذیری در فرم‌های معماری است، نه تولید مدل‌های عددی یا آماری. پایه داده‌های این تحقیق، منابع کتابخانه‌ای و اسنادی شامل موارد زیر بوده است:

- مقالات علمی فارسی و انگلیسی درباره معماری آرت دکو و روایت‌پذیری فضا
 - پایان‌نامه‌ها و رساله‌های مرتبط با فرم، معنا و نمادگرایی در معماری ایران
 - نقشه‌های معماری، پلان‌ها و پرسپکتیوهای رسمی ساختمان‌های شاخص آرت دکو
 - اسناد تصویری، آرشیوهای مطبوعاتی و عکس‌های تاریخی از بناهای دوره پهلوی اول
 - متون نظری روایت در معماری و نشانه‌شناسی فرهنگی (Barthes, 1977; Bruner, 1991)
- منابع انتخاب‌شده پس از غربال اولیه با معیارهای اعتبار علمی، تطابق موضوعی، و وضوح تحلیلی گزینش و در نرم‌افزار مدیریت منابع دسته‌بندی شده‌اند. فرآیند تحلیل با رویکرد تحلیل محتوای کیفی^۱ انجام گرفته است. این روش امکان شناسایی الگوها، مفاهیم تکرارشونده و ساختارهای روایی پنهان در معماری را فراهم می‌آورد. تحلیل بر اساس چهار مرحله انجام شده است:

- کدگذاری^۲ مفاهیم روایی همچون توالی فضایی، استعاره‌های بصری، نشانه‌های تاریخی، حافظه جمعی و هویت مکان
- تحلیل تطبیقی ویژگی‌های آرت دکوی ایران با نمونه‌های آرت دکوی جهانی از منظر نشانه‌شناسی فضایی
- استخراج الگوهای مفهومی پیونددهنده بین فرم معماری و روایت‌پذیری در بستر فرهنگی ایران

¹ Qualitative Content Analysis

² Coding

- در این راستا، از چارچوب‌های نظری نریتیو^۱ از منظر (۱۹۹۱) Bruner، Barthes (۱۹۷۷)، و Thomas (۲۰۱۵) در ترکیب با تحلیل‌های فرمی از منابع داخلی استفاده شده است.

جدول ۵. کدهای مفهومی تحلیل روایت‌پذیری در معماری آرت‌دکوی ایران (2، 4، 9)

کد مفهومی	توصیف	نمود در معماری آرت‌دکوی ایران
توالی فضایی ^۲	ترتیب فضایی معنادار از ورود تا اوج و اختتام	سازمان فضایی سینماها و ایستگاه‌ها
استعاره بصری ^۳	فرم‌هایی که معنای ضمنی یا مفهومی را القا می‌کنند	برجستگی‌های عمودی به‌مثابه اقتدار
نشانه تاریخی ^۴	ارجاع به عناصر یا سبک‌های تاریخی در فرم	الهام از تخت جمشید یا هنر اسلامی
حافظه جمعی ^۵	خلق فضاهایی که تداعی‌گر تاریخ و هویت‌اند	نمای کلاسیک با فرم‌های بومی‌شده
بازنمایی قدرت ^۶	استفاده از نمادها برای نمایش اقتدار دولتی	سردرهای بزرگ و طراحی رسمی ادارات

روش‌شناسی این تحقیق مبتنی بر تحلیل کیفی با تمرکز بر محتوا و معنا در فرم‌های معماری آرت‌دکوی ایران بوده است. با اتکا به منابع متنوع اسنادی و بهره‌گیری از روش‌های کدگذاری و تحلیل روایی، پژوهش به دنبال کشف سازوکارهایی است که از طریق فرم و روایت، معناهای فرهنگی و اجتماعی را در فضاهای معماری بازتاب می‌دهند. این روش نه تنها به تبیین فرم‌های کالبدی بلکه به خوانش نشانه‌شناسانه و روایت‌محور از معماری منجر می‌شود که در زمینه ایران‌پژوهی معماری، رویکردی بینارشته‌ای و نوآورانه محسوب می‌شود.

تحلیل یافته‌ها

مطالعه نمونه‌های منتخب آرت‌دکو در بافت شهری تهران با هدف کشف سازوکارهای بیانی فرم و معنای فضایی و نیز خوانش نشانه‌های روایی در معماری صورت می‌گیرد. این تحلیل از چارچوب سه‌گانه «فرم، معنا، روایت» بهره می‌گیرد و به بررسی نشانه‌شناختی ساختار فضایی، تزیینات، سیرکولاسیون، و ارتباطات معنایی در بستر فرهنگی ایران می‌پردازد (9، 11). نمودار مفهومی، ساختاری تلفیقی از مؤلفه‌های نظری و تحلیلی پژوهش با عنوان «بازخوانی روایت‌مندی فضا در معماری آرت‌دکو ایران با تأکید بر پیوند میان فرم، معنا و روایت» را به تصویر می‌کشد. در این چارچوب، سه مؤلفه اصلی «فرم»، «معنا» و «روایت» به‌عنوان متغیرهای کلیدی در تحلیل فضاهای معماری آرت‌دکوی ایران در نظر گرفته شده‌اند. در بخش نظری، مفاهیم برگرفته از نظریه‌پردازانی چون Bruner، Ricoeur، و Nazidizaji ساختارهای شناختی روایت و دلالت‌های فضایی را به عنوان بنیان نظری مدل معرفی می‌کنند. در همین راستا، مبانی معماری معاصر ایران و ویژگی‌های سبک آرت‌دکو نیز بر اساس منابع داخلی و مطالعات موردی تاریخی در ایران (همچون آثار قبادیان، ثبات ثانی، و کیانی) در چارچوب نظری جای گرفته‌اند.

¹ Narrative Theory

² Spatial Sequence

³ Visual Metaphor

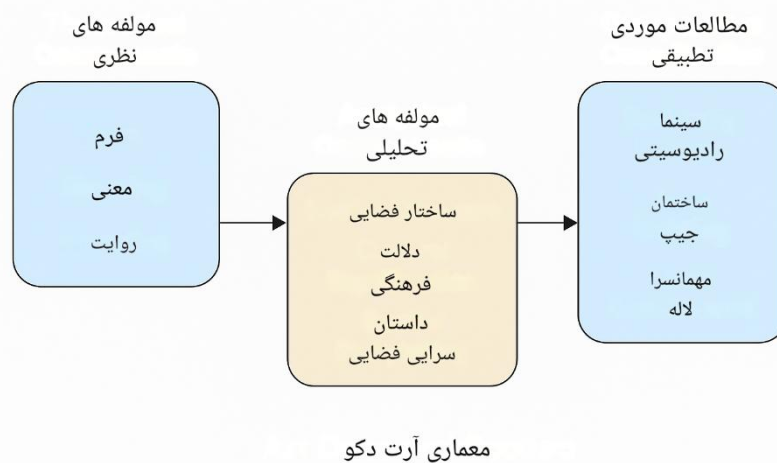
⁴ Historical Referent

⁵ Collective Memory

⁶ Representation of Power

در بخش تحلیلی، سه محور تحلیلی شامل فرم (نظیر تزیینات هندسی، تقارن، توالی فضایی)، معنا (نظیر دلالت‌های تاریخی، مدرن‌گرایی، شکوه و تجمل) و روایت (مانند خاطره جمعی، رویدادپذیری، نشانه‌گذاری فرهنگی) به صورت موازی بررسی شده و به سه نمونه موردی (سینما رادیوسیتی، ساختمان جیب، مهمان‌پذیر لاله) تطبیق داده شده‌اند. پیوندهای موجود در نمودار نشان می‌دهد که چگونه ویژگی‌های کالبدی در سبک آرت‌دکو، معناهای ضمنی را فعال کرده و از طریق آنها امکان روایت‌سازی فضایی در بستر تاریخی، اجتماعی و فرهنگی شهر تهران فراهم شده است. همچنین، فرآیند کدگذاری محتوای کیفی از اسناد تصویری و نقشه‌ها، این سه‌گانه را در لایه‌های روایتی معماری مستند کرده و به تحلیل نظام‌مند الگوهای فضایی منجر می‌شود. این چارچوب مفهومی مسیر پژوهش را از مبانی نظری تا تحلیل موردی به صورت منطقی و یکپارچه ترسیم می‌کند و زمینه تفسیر نتایج را بر مبنای ارتباط بین متغیرهای نظری و داده‌های تجربی فراهم می‌سازد.

چارچوب مفهومی



شکل ۱. چهارچوب مفهومی پژوهش

سینما رادیوسیتی تهران

سینما رادیوسیتی (ساخته‌شده در دهه ۱۳۴۰، خیابان ولیعصر) یکی از شاخص‌ترین نمونه‌های معماری آرت‌دکو در بافت شهری تهران است که به‌عنوان یک فضای فرهنگی مدرن، هویتی خاص به خیابان ولیعصر داده است. این بنا در برهه‌ای ساخته شد که فرهنگ شهری ایران در حال گذار از فرم‌های سنتی به فرم‌های مدرن و جهانی بود. بهره‌گیری از نمادهای آرت‌دکو در طراحی فرم و تزیینات این سینما، آن را به یک فضای بیانی در سطح شهر بدل کرده است (11). سینما دارای فرم مکعبی با تأکید بر تقارن عمودی و افقی در نما و حجم اصلی است. سردر اصلی ساختمان، با حجم بلندتر از سایر بخش‌ها و خطوط عمودی متقارن، حس کشیدگی و صعود را القا می‌کند، یکی از ویژگی‌های بارز در زبان آرت‌دکو (Barthes, 1977). ترکیب احجام خالص، بدون شکستگی و با تأکید بر سادگی ریتم هندسی، ساختاری شفاف و قابل رمزگشایی ایجاد کرده است. از منظر پلان، توالی ورود از فضای بیرونی به سالن انتظار و سپس به سالن نمایش، کاملاً

تئاتریکال و روایت محور طراحی شده است. حرکت از روشنی به تاریکی در مسیر مخاطب، نشانی از انتقال به دنیای تخیل سینمایی است که از مفاهیم روایتی در طراحی فضا بهره می‌برد (2).

▪ تزئینات و نشانه‌های آرت دکو

- در نمای اصلی سینما، از عناصر تزئینی بارز آرت دکو شامل موارد زیر استفاده شده است:
- خطوط عمودی با تکرار منظم: این خطوط به صورت برجسته در نما، انتقال حس استحکام و رشد را ایجاد می‌کنند.
- بافت سنگی صاف و صیقلی: بدون تزئینات اضافی، نشان از خلوص فرمی و حرکت به سوی زیبایی‌شناسی مدرن.
- نورپردازی با فرم‌های خطی در شب: طراحی نور، بخشی از زیبایی‌شناسی شبانه بناست و بر درام روایی فضا می‌افزاید (9).

▪ معنا و خوانش فرهنگی

- این سینما، در فضای شهری تهران دهه ۴۰، نماد مدرنیسم فرهنگی بود. انتخاب نام لاتین (Radiocity)، استفاده از مصالح مدرن، و طراحی خاص ورودی، همگی نشانه‌ای از تمایل طبقه متوسط نوظهور به سبک زندگی شهری مدرن بود. ورودی اصلی همچون یک صحنه‌ی نمایش، مخاطب را با نور، حجم، و جزئیات تزئینی به داخل دعوت می‌کند و از این جهت، ابعاد روایی معنا در فضا فعال می‌شود.

▪ روایت‌پذیری در طراحی

تمام مسیر حرکت از خیابان به سالن نمایش، طراحی شده بر مبنای اصول روایی است:

- مرحله ۱: مواجهه با نمای بلند سردر؛ ایجاد کنجکاو.
 - مرحله ۲: ورود به لابی با سقف بلند؛ حس شکوه و توقف اولیه.
 - مرحله ۳: حرکت به سوی سالن نمایش از راهروهای نیم‌تاریک؛ ورود به فضای تخیل.
 - مرحله ۴: سالن نمایش تاریک و بلند؛ اوج روایت در قالب تماشای فیلم.
- تمام این مراحل، یک سکانس فضایی روایی را شکل می‌دهند که هویت معمارانه فضا را به یک تجربه ذهنی بدل می‌کنند (15).

جدول ۶. تحلیل فرمی، معنایی و روایتی سینما رادیوسیتی تهران (9، 14، 44)

شاخصه‌ها	توصیف تحلیلی	المان‌های آرت دکو
فرم	حجم مکعبی با سردر برجسته؛ تقارن در ساختار؛ توالی فضایی مشخص	احجام ساده هندسی، خطوط عمودی، تکرار متوازن
نما	نمای سنگی بدون تزئینات اغراق‌شده؛ استفاده از بافت سنگی و نورپردازی خطی	بافت ساده، نورپردازی نمای شب، سردر نمادین
پلان	طراحی سکانشی از بیرون به سالن نمایش با دراماتورژی روشنایی و تاریکی	فضای لابی بلند، توالی عملکردی به‌مثابه روایت فضایی
تزئینات	تکرار خطوط عمودی، قاب‌بندی شیشه‌ها، تأکید بر عمودی‌بودن	خطوط هندسی، الگوهای نور خطی، استفاده از بافت مدرن

معنا	نماد مدرنیته فرهنگی، شکوه، تجمل، تجربه جهانی شده از سینما کاربرد نام انگلیسی، سردر حجمی، نورپردازی به عنوان نشانه هویتی در فضای شهری تهران
روایت	طراحی مبتنی بر مراحل کنش محور (ورود-مکث-حرکت-اوج)؛ ایجاد انتقال از واقعیت به خیال سکانس روایی فضایی، تمرکز بر تجربه مخاطب در حرکت

ساختمان جیب تهران

ساختمان جیب (مکان: خیابان ولیعصر، دهه ۱۳۳۰ خورشیدی) به عنوان یکی از نخستین نمونه‌های نمایشگاه-اداری مدرن در تهران، ترکیبی از عملکرد صنعتی، زیبایی‌شناسی فرمی و عناصر سبک آرت دکو را در خود جای داده است. این بنا که به عنوان نمایندگی رسمی شرکت اتومبیل‌سازی «جیب» فعالیت می‌کرد، نوعی بازنمایی هژمونی صنعتی و تکنولوژیک غرب در ساختار شهری تهران به شمار می‌آمد. فرم کلی ساختمان به شکل یک بلوک کشیده با ارتفاع متوسط طراحی شده که در آن، تقارن و تکرار نقش مهمی ایفا می‌کند. نمای رو به خیابان ولیعصر از خطوط عمودی و افقی متقاطع استفاده می‌کند که نمایانگر زبان تصویری آرت دکو است. ورودی اصلی در وسط نما قرار گرفته و از طریق تأکید حجمی و بافت متفاوت، از سایر اجزاء متمایز شده است. در پلان، طبقات با عملکرد اداری و نمایشگاهی طراحی شده‌اند. سلسله‌مراتب فضایی از ورود به نمایشگاه، راهروهای جانبی، و دفاتر مدیریتی به گونه‌ای است که ساختار فضایی کاملاً تابع الگوی عملکردی-روایتی است. در نمای ساختمان، خطوط افقی باندی^۱ در کنار پنجره‌های کشیده عمودی، تعادلی از نظم هندسی و ایستایی را ایجاد کرده‌اند—ویژگی‌ای رایج در آرت دکو صنعتی. مصالح غالب شامل بتن با نمای صیقلی و سنگ گرانیت تیره‌رنگ در بخش پایه است که حس ثبات و قدرت را منتقل می‌کند. عناصر بصری به کاررفته در این ساختمان:

- پنجره‌های نواری با قاب فلزی، الهام‌گرفته از طراحی صنعتی.
- قاب‌بندی سنگی اطراف ورودی، با خطوط برجسته.
- استفاده از نور طبیعی در ویتترین نمایش خودروها به عنوان بخشی از «دراماتورژی فضایی».

■ معنا و زمینه فرهنگی

- ساختمان جیب فراتر از یک فضای تجاری-اداری، حامل معنایی سیاسی و فرهنگی در دهه ۳۰ و ۴۰ تهران بود. نمایش خودروهای ساخت آمریکا در قلب پایتخت، در قالبی مدرن و تأثیرگذار، نماد قدرت و پیشرفت تلقی می‌شد. این فضا با ترکیب عملکرد صنعتی با طراحی فرمال زیبا، نوعی روایت مدرنیته مصرفی را تقویت می‌کرد.
- استفاده از سبک آرت دکو، با ویژگی‌های بین‌المللی و قابل انطباق با بستر ایرانی، موجب شده تا فضا همزمان هم حامل دلالت‌های فرهنگی و هم فنی باشد. نمای سرد و حساب‌شده بنا، در تقابل با معماری سنتی اطراف، خود نوعی «بیان معمارانه گسست از گذشته» بود.

■ روایت‌پذیری در طراحی

^۱ horizontal bands

- روایت فضا در ساختمان جیب بیشتر از جنس روایت صنعتی است تا روایت فرهنگی. توالی فضاها از ویتترین خودرو به دفاتر فروش، و سپس دفاتر مدیریت، نوعی سیر قهرمانانه‌ی فناوری از نمایش تا تملک را برای مخاطب القا می‌کند. این روایت به‌شکلی غیرکلامی از طریق توالی فضا، تأکید فرمی، و نورپردازی طبیعی شکل می‌گیرد.

جدول ۷. تحلیل فرمی، معنایی و روایتی ساختمان جیب تهران (9, 11)

شاخصه	توصیف تحلیلی	المان‌های آرت‌دکو و صنعتی
۱ فرم	بلوک افقی کشیده با تقارن مرکزی؛ تأکید بر عملکرد صنعتی-تجاری	حجم ساده، تأکید بر فرم خطی، سردر برجسته
نما	خطوط افقی باندی، پنجره‌های نواری، قاب‌بندی سنگی دقیق	تکرار افقی، هندسه منظم، ترکیب شیشه و فلز
پلان	عملکرد سلسله‌مراتبی: نمایشگاه → فروش → مدیریت	فضاهای باز و بسته به‌صورت تابعی از عملکرد
تزئینات	جزئیات محدود اما هدفمند؛ کاربرد مصالح سنگی و شیشه صنعتی	قاب‌های فلزی، سنگ تیره، پنجره‌های کشیده
معنا	نماد قدرت صنعتی و جهانی شدن؛ فضای بین‌المللی در قلب تهران دهه ۳۰	تأکید بر مصرف‌گرایی مدرن، نمایش فناوری، استقلال فضایی
روایت	سیر حرکت از نمایش به فروش؛ فضا به‌مثابه سناریوی صنعتی و مصرفی	روایت عملکردی، طراحی رو به نمایش، نورپردازی جهت‌دار

مهمان‌پذیر لاله تهران

مهمان‌پذیر لاله (مکان «خیابان لاله زار») یکی از اقامتگاه‌های شاخص نیمه‌دولتی-خصوصی دوران پهلوی دوم در پایتخت به‌شمار می‌آید که تلفیقی از سبک آرت‌دکوی اروپایی و گرایش به معماری تجمل‌گرای مدرن در تهران آن دوره را بازتاب می‌دهد. این ساختمان در کنار هتل‌هایی نظیر «هتل هیلتون» و «هتل ونک» بخشی از شبکه گردشگری نیمه‌مدرن تهران در دهه ۴۰ و ۵۰ خورشیدی را شکل می‌داد (50). فرم کلی بنا شامل یک بلوک مرتفع با پلان مستطیلی و حجم ساده‌سازی شده است. نمای خارجی با خطوط عمودی پیوسته، بالکن‌های باریک، و ستون‌نماهای کشیده عمود بر بدنه نما، زبان بصری آرت‌دکو را به‌کار می‌گیرد. ورودی ساختمان دارای سردر برجسته و فرورفته است که کارکردی روایتی دارد؛ یعنی دعوت به ورود در چارچوبی از نظم و شکوه. در پلان، ساختار طبقات به‌گونه‌ای طراحی شده که تجربه اقامت از ورودی به لابی، سپس راهروها و در نهایت اتاق‌ها، روندی کاملاً سکانس‌مند و روایت‌محور را شکل می‌دهد. توالی فضایی اقامت با تأکید بر حس انتقال و کشف تدریجی فضا طراحی شده است. تزئینات نمای خارجی محدود اما ظریف هستند؛ مصالح غالب شامل سنگ تیشه‌ای برای طبقه همکف، گچ‌کاری در طبقات فوقانی، و قاب‌بندی‌های فلزی برای بالکن‌ها و پنجره‌ها است. در نمای داخلی، از گچ‌بری‌های ساده با خطوط موج، کف‌پوش‌های موزائیکی با الگوهای هندسی، و نورهای مخفی در سقف‌ها استفاده شده است که بیانگر گرایش دکو به شکوه کنترل‌شده است. عناصر تزئینی شاخص ساختمان عبارتند از:

- ستون‌نماهای باریک با سرستون هندسی؛
- پنجره‌های افقی در کنار پنل‌های عمودی؛
- ورودی برجسته با قاب‌بندی سنگی و نقش گل‌بوته تکرارشونده؛
- کف‌پوش‌هایی با الگوهای لوزی‌شکل در لابی و راهروها.

▪ معنا و دلالت فرهنگی

- مهمان‌پذیر لاله نه تنها مکانی برای اقامت بود، بلکه بازتابی از شکوه، نظم و پیشرفت فرهنگی دوره پهلوی به‌شمار می‌آمد. سبک آرت‌دکو در اینجا حامل معنای «نوگرایی مسلط» بود که در بستری ایرانی معنا پیدا کرده و با هویت بومی تلفیق شده است (Zandieh & Velayati, ۲۰۱۵). فضای داخلی با چیدمان خاص و نورپردازی ملایم، حس «تجمل آرام» را القا می‌کرد—نوعی روایت از وقار و امنیت فضایی.
- همچنین، این مهمان‌پذیر در حافظه جمعی شهروندان به‌عنوان بخشی از شبکه فضاهای مدرن نیمه‌عمومی در خاطره‌ها نقش بسته است، و معنای ضمنی آن به‌شکل پناهگاهی فرهنگی برای اقشار متوسط و مدرن‌گرا تعریف می‌شد.

▪ روایت‌پذیری در فضا

- سکانس‌های حرکتی از دروازه ورودی، لابی اصلی، راهروهای عریض، اتاق‌های مجزا، و نهایتاً فضاهای خدماتی چون سالن غذاخوری، مجموعه‌ای از روایت‌های فضایی را برای ساکنین شکل می‌دهند. این روایت‌ها در قالب «روایت اقامت» قابل تحلیل‌اند: ورود → استقبال → کشف → آرامش → بازگشت. در هر بخش، طراحی فضایی با انتخاب مصالح، هندسه فضا، و نحوه نورگیری، ارتباطی مستقیم با حس درونی کاربر برقرار می‌کند (44).

جدول ۸. تحلیل فرمی، معنایی و روایتی مهمان‌پذیر لاله تهران (11, 51-54)

شاخصه‌ها	تحلیل معمارانه و روایتی	ویژگی‌های سبک آرت‌دکو
فرم	بلوک مستطیلی با ارتفاع متوسط، نمای تقارن‌دار با خطوط عمودی	ستون‌نماهای برجسته، سردر ورودی عمیق
نما	پنجره‌های افقی-عمودی، بالکن‌های متقارن، رنگ روشن با مصالح سنگی و گچی	هندسه منظم، تکرار خطی، جزئیات مینیمال اما موزون
پلان	توالی عملکردی: ورودی → لابی → راهروها → اتاق‌ها	سکانس فضایی مشخص، سیر حرکت جهت‌دار
تزئینات	گچ‌بری‌های ساده، قاب‌بندی فلزی، کف‌پوش‌های الگودار	استفاده از موتیف‌های هندسی تکرارشونده
معنا	روایت شکوه مدرن، نماد آرامش و طبقه متوسط فرهنگی در تهران دهه ۴۰	دلالت بر نوگرایی، وقار، و تجمل معتدل
روایت	روایت فضایی اقامت با محور کشف تدریجی فضا و حس مکان	روایت پذیرش و آرامش، نظم فضایی و نورپردازی تدریجی

تطبیق و تفسیر شاخصه‌های فرم، معنا و روایت

- تحلیل تطبیقی سه نمونه‌ی منتخب نشان می‌دهد که هر سه بنا اگرچه از لحاظ عملکرد متفاوت هستند، یکی سینمای عمومی، دیگری ساختمان اداری-تجاری، و سومی فضای اقامتی، اما در لایه‌های عمیق‌تر فرمی و معنایی، پیروی از اصول آرت‌دکو در قالبی ایرانی‌شده دیده می‌شود.
- از منظر فرمی، همه‌ی نمونه‌ها دارای ساختارهایی هندسی، تقارن‌دار و با محوریت خطوط عمودی و افقی برجسته هستند. سینما رادیوسیتی با سردر بلند و تزئینات موج، ساختمان جیب با شکست‌های حجمی و شیشه‌های بلوکی، و مهمان‌پذیر لاله با ورودی فرورفته و خطوط ممتد عمودی، هر سه بیانگر فرم‌گرایی منضبط آرت‌دکو هستند (14, 55).

- در بُعد معنایی، روایت‌های نهفته در هر بنا به جایگاه اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی فضاها اشاره دارند. سینما رادیوسیتی نماد فرهنگی-مدرن سینمای عامه‌پسند، ساختمان جیب بازنمایی روایت صنعتی و اقتصادی، و مهمان‌پذیر لاله بازتاب تجمل، وقار و امنیت فضایی برای طبقه متوسط فرهنگی است (52, 53).
- از نظر روایت‌پذیری فضایی، هر یک از فضاها دارای سکانس‌های حرکتی مشخص، نقاط اوج و فرود در تجربه کاربر و فضاهای میانجی هستند. روایت حضور در هر بنا از طریق ترکیب فرم، نور، حرکت و جزئیات تزئینی شکل می‌گیرد؛ به طوری که بناها نه تنها عملکردی، بلکه «داستان‌پرداز» نیز هستند (11, 44).

جدول ۹. تطبیق سه‌گانه فرم، معنا و روایت در سه بنای آرت دکوی ایران (11, 44, 52-54)

شاخصه‌ها	سینما رادیوسیتی	ساختمان جیب	مهمان‌پذیر لاله
فرم	سردر بلند، خطوط موج، تزئینات حجمی	نمای تقارن‌دار، شیشه بلوکی، تزئینات هندسی	بلوک عمودی، خطوط ساده عمودی، سردر فرورفته
نما	تاکید بر ورودی، هندسه صلب و منظم	ترکیب مصالح مدرن، تقارن و انقطاع حجمی	ترکیب مصالح سنگی و گچی، تناسب عمودی-افقی
فضای درونی	سالن نمایش با مسیر حرکتی روایی، نورپردازی تاکیدگر	پلان باز و ارتباط مستقیم با خیابان، فضای لابی صنعتی	سکانس فضایی اقامت از لابی تا اتاق‌ها، نورپردازی و آرامش فضایی
معنا	روایت فرهنگ عامه، فضای جمعی مدرن	بازنمایی اقتصاد صنعتی و روایت قدرت مدرن	تداعی شکوه، نظم و امنیت برای طبقه متوسط
روایت	آغاز (ورود) → مشارکت (سالن) → پایان (خروج)	حضور سریع، تعامل اجتماعی، عملکردگرا	ورود → آرامش → تجربه فضایی → رضایت
نشانه‌شناسی	نورهای خطی، سردر روایی، معماری تاتریکال	شیشه‌های مکعبی، ستون‌های عمودی، رنگ صنعتی	موتیف‌های هندسی در کف و سقف، فرم‌های تکرارشونده

این تطبیق نشان می‌دهد که معماری آرت دکو در بستر ایرانی نه صرفاً تکرار یک زبان بین‌المللی بلکه «بازترکیب معناگرایانه‌ای» از آن با اقتضانات فرهنگی، اقلیمی و اجتماعی ایران است. در هر سه بنا، فرم به‌عنوان زبان اولیه، معنا به‌عنوان گفتمان پنهان، و روایت به‌عنوان تجربه زیسته مخاطب، در هم تنیده شده‌اند. این ساختار سه‌گانه به معمار ایرانی امکان داده است تا در چارچوب مدرنیته جهانی، روایتی بومی و خاص از مکان خلق کند، روایتی که هم‌زمان مدرن، فرهنگی، و تجربه‌محور است.

بحث و تفسیر نتایج

تحلیل تطبیقی میان نمونه‌های موردی و چارچوب‌های نظری فصل دوم نشان می‌دهد که معماری آرت دکوی ایران واجد ویژگی‌ای منحصر به فرد است: توانایی تلفیق زیبایی‌شناسی مدرن با بسترهای فرهنگی و معنایی بومی برای خلق روایت‌های فضایی چندلایه. این ویژگی نه تنها نتیجه‌ی گرایش‌های فرمالیستی سبک آرت دکو در سطح جهانی است، بلکه حاصل یک بازآفرینی خلاقانه‌ی ایرانی از این زبان بین‌المللی در بستر اجتماعی و سیاسی دهه‌های میانی قرن بیستم در ایران

است (53, 56). در نظریات روایت‌شناسی معماری (14, 52, 55)، روایت فضایی حاصل از تعامل «فرم» و «معنا» تلقی می‌شود. در نمونه‌های ایرانی بررسی‌شده، فرم‌های هندسی، تقارن‌دار و تزئینات آرت‌دکو، بستری برای القای معنای خاص بوده‌اند: سینما رادیوسیتی با سردر نمایشی و توالی حرکتی تئاتریکال، روایت‌گر تجربه‌ی مدرنیسم شهری و مشارکت جمعی است؛ ساختمان جیب با تزئینات صنعتی و حجمی، روایتی از پیشرفت و نظم اقتصادی را القا می‌کند؛ و مهمان‌پذیر لاله از طریق سکانس فضایی اقامت، مفاهیم تجمل، وقار و مدرنیته را بازنمایی می‌کند. این ترکیب فرم و معنا، آن‌چنان‌که در نظریات بارت و برونر نیز مطرح است، به «زبان ثانویه»‌ای در معماری منجر می‌شود که تجربه‌ی زیباشناختی صرف را به تجربه‌ی ادراکی و روایی مکان بدل می‌سازد (11, 44).

آرت‌دکو به‌مثابه یک سبک جهانی، در بستر ایران تنها یک تقلید صوری نبوده، بلکه در فرایند «بومی‌سازی نشانه‌ها»^۱ توانسته دلالت‌هایی منطبق با فرهنگ ایرانی بیافریند. به‌عنوان مثال، استفاده از فرم‌های عمودی و تقارن‌های ریتمیک در نمای ساختمان جیب، نه‌تنها بیانگر نظم صنعتی است بلکه با مفاهیم قدرت، شکوه و وقار در ذهن مخاطب ایرانی پیوند دارد (Kiani, 2018). همین پیوند را می‌توان در کاربرد تزئینات موج‌دار، شیشه‌های رنگی و مسیرهای حرکتی در سینما رادیوسیتی دید که نوعی روایت بصری از فرهنگ عمومی و فضای سرگرمی شهری دهه ۱۳۴۰ را بازسازی می‌کند—یک حافظه جمعی که در بسیاری از نسل‌های تهرانی حضور دارد و معماری را به «روایت زنده‌ی شهری» تبدیل کرده است (51). هم‌چنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد که معماری آرت‌دکوی ایران در دوره‌ی گذار از سنت به مدرنیته (دهه‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۰) نقش دوگانه‌ای ایفا کرده است:

- به‌مثابه نماد مدرن‌گرایی: آرت‌دکو برای نظام حاکم و نهادهای وابسته به مدرنیته، زبان مشروعیت‌بخشی به نظم نوین شهری بوده است. فرم‌های صیقل‌خورده و تقارن‌های حساب‌شده در خدمت نوسازی هویت معماری قرار گرفتند (46).
- به‌مثابه حامل روایت‌های اجتماعی-فرهنگی: این سبک با جذب نشانه‌های بومی، مفاهیم فرهنگی خاصی را به مخاطب منتقل کرده است. سینما، مهمان‌پذیر و ساختمان تجاری، در قالب‌هایی به‌ظاهر مشابه، روایت‌هایی متفاوت از آرزوهای طبقه متوسط، میل به مصرف فرهنگی، و تجربه‌ی مدرنیته را بازگو کرده‌اند (54).

در نهایت، در پاسخ به پرسش اصلی این بخش: «چگونه معماری آرت‌دکو ایران توانسته فرم و معنا را به روایت فضایی تبدیل کند؟» می‌توان چنین گفت: «معماری آرت‌دکو در ایران با ترکیب حساب‌شده‌ی فرم‌های هندسی مدرن و دلالت‌های بومی‌شده‌ی فرهنگی، موفق به خلق فضاهایی شده که نه‌تنها قابل سکونت، بلکه قابل روایت‌اند. این روایت‌ها، در دل ساختار فیزیکی بناها، حافظه‌ی جمعی و تجربه‌ی شهری را صورت‌بندی کرده و معماری را از مرز عینیت به قلمرو معنا و داستان‌پردازی کشانده‌اند.»

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بازخوانی شاخصه‌های روایت‌مند فضا در معماری آرت‌دکو ایران، با تأکید بر پیوند میان فرم، معنا و روایت، تلاش کرد تا با نگاهی تحلیلی و تطبیقی به سه نمونه شاخص از بناهای آرت‌دکوی تهران در دهه‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۸۰، روند شکل‌گیری و تبلور روایت فضایی را در قالب ساختارهای معمارانه تبیین کند. یافته‌های پژوهش نشان داد که سبک آرت‌دکو، با بهره‌گیری از ویژگی‌های فرمال متمایز نظیر تقارن، تزئینات هندسی، تأکید بر ورودی‌های

¹ Cultural Signification

نمادین و فرم‌های ترکیبی نوگرا، توانسته معناهایی چون مدرنیته، شکوه، ملی‌گرایی و تجربه نوین شهری را در فضا بازنمایی کند. از سوی دیگر، تحلیل روایت در سه لایه فرم، معنا و تجربه زیسته نشان داد که معماری آرت‌دکو در بافت فرهنگی ایران نه تنها بازتابی از نگرش مدرنیستی دوره پهلوی است، بلکه ظرفیتی برای بازنمایی هویت شهری و حافظه جمعی نیز داشته است. نمونه‌هایی چون سینما رادیوسیتی، ساختمان جیب و مهمان‌پذیر لاله، به‌عنوان بسترهایی برای شکل‌گیری «روایت فضا» در ذهن مخاطب عمل کرده‌اند؛ به‌ویژه در نحوه مواجهه با خیابان، طراحی توالی فضایی و نقش عملکردی-اجتماعی بنا در خاطره تاریخی شهروندان. نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل کیفی نشان داد که سه‌گانه فرم-معنا-روایت، چارچوب مؤثری برای فهم معماری روایت‌مند در بستر سبک‌شناسی معاصر ایران است. همچنین مشخص شد که شاخصه‌هایی همچون «ورودی نمادین»، «تزئینات تماتیک»، «توالی فضایی داستانی»، «نشانه‌گذاری فرهنگی» و «نسبت با زمینه شهری» از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌هایی هستند که در روایت‌پذیری فضایی نقش ایفا می‌کنند. به‌عنوان مثال، مهمان‌پذیر لاله از طریق طراحی داخلی مجلل و سکانس‌های فضایی اقامتی، حس روایت تجمل و مدرنیته را تداعی می‌کند؛ درحالی‌که ساختمان جیب با فرم صنعتی و تعامل با خیابان، روایت رشد صنعتی و هویت نوگرای تهران را بازتاب می‌دهد.

با توجه به محدودیت‌های پژوهش در زمینه گستره جغرافیایی (متمرکز بر تهران) و تعداد نمونه‌ها، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی:

- مطالعات تطبیقی مشابه در شهرهای دیگر ایران چون مشهد، تبریز و شیراز صورت گیرد تا روند بومی‌سازی سبک آرت‌دکو در بسترهای فرهنگی متفاوت بررسی شود.
 - از روش‌های ترکیبی با بهره‌گیری از تحلیل روایت‌نگارانه و مصاحبه با کاربران و ساکنان برای بازسازی تجربه زیسته در فضاهای آرت‌دکویی استفاده شود.
 - تأثیر روایت فضایی آرت‌دکو بر روی زبان بصری معاصر معماران ایرانی در دهه‌های اخیر مورد مطالعه قرار گیرد.
 - امکان ارتقای رویکرد طراحی روایت‌مند در پروژه‌های احیای بناهای تاریخی آرت‌دکوی ایران بررسی شود تا از طریق بازطراحی معنا‌دار، ارتباط بین حافظه تاریخی و کارکردهای جدید تثبیت شود.
- در پایان، این پژوهش نشان داد که روایت نه یک عنصر بیرونی، بلکه ساختاری درونی و زنده در معماری است که می‌تواند از دل فرم و معنا، تجربه فضایی را غنا بخشد و معماری را به زبان بدل کند؛ زبانی که نه فقط با مصالح، بلکه با حافظه، فرهنگ و حس مکان سخن می‌گوید.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در طی مراحل این پژوهش به ما یاری رساندند تشکر و قدردانی می‌گردد.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

حمایت مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

موازن اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازن و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

خلاصه مبسوط

Extended Abstract

The study of architecture has increasingly moved beyond formalist readings toward interpretive frameworks that emphasize meaning, experience, and narrativity as core dimensions of spatial production. Within this shift, the concept of spatial narrativity has emerged as a critical lens through which architecture is understood not merely as a physical artifact, but as a medium capable of structuring experience, memory, and cultural discourse. Narrative theory, originally rooted in literary studies, has been progressively adapted to spatial analysis, highlighting how sequences, symbols, and embodied movement construct meaning over time (1-3). In the Iranian context, this interpretive turn has opened new avenues for re-examining architectural styles associated with modernization, particularly those that emerged during the Pahlavi period. Among these, Art Deco occupies a distinctive position as a hybrid language that simultaneously articulated global modernist aesthetics and locally embedded cultural meanings (4, 5). Although previous studies have addressed the stylistic, formal, or historical aspects of Iranian Art Deco architecture, its narrative capacity and role in producing spatial meaning have not been systematically explored. The present research addresses this gap by focusing on the triadic relationship between form, meaning, and narrative, proposing that Iranian Art Deco architecture functions as a spatial storytelling system through which modernity, power, and collective identity were communicated in the urban fabric (9-11).

Art Deco, as an architectural and artistic movement, originated in early twentieth-century Europe and reached global prominence through its emphasis on geometric abstraction, symmetry, verticality, and decorative stylization. Unlike early modernist movements that rejected ornament, Art Deco embraced a controlled and symbolic use of decoration, positioning architecture as both functional and representational (33). In Iran, the introduction of Art Deco coincided with state-driven modernization policies and the construction of new civic, cultural, and commercial spaces. Architects adapted the language of Art Deco to local conditions by integrating indigenous motifs, national symbols, and references to pre-Islamic and Islamic visual traditions (6-8). This process of adaptation transformed Art Deco from a purely imported style into a culturally mediated architectural expression. Scholars have noted that Iranian Art Deco buildings often exhibit a dual character: while their formal vocabulary aligns with international modernism, their symbolic content resonates with narratives of nationalism, progress, and historical continuity (9, 27). However, these observations have largely remained descriptive. By reframing Art Deco architecture through the concept of narrativity, the present study argues that these buildings actively structure meaning through

spatial sequences, symbolic entrances, rhythmic façades, and experiential transitions that guide users through a narrative encounter with the built environment (12, 14).

The theoretical framework of the study draws on interdisciplinary sources from narrative theory, architectural semiotics, and phenomenology. Narrative is understood not as a linear story imposed upon space, but as an emergent structure arising from the interaction between spatial form, symbolic codes, and embodied experience (2, 15). In architectural terms, narrativity is produced through elements such as circulation paths, thresholds, visual focal points, and symbolic ornamentation that together generate a sense of progression and meaning. Semiotic approaches further clarify how architectural forms operate as signs, conveying ideological and cultural messages beyond their functional role (13, 17). Within this framework, the triad of form, meaning, and narrative serves as an analytical tool for decoding Iranian Art Deco architecture. Form refers to geometric configuration, materiality, and compositional order; meaning denotes the cultural, political, and social values embedded in architectural expression; and narrative emerges from the dynamic relationship between these elements as experienced by users over time (18, 19). This approach allows architecture to be read as a spatial text that communicates through movement, perception, and memory rather than through verbal language alone.

Methodologically, the research adopts a qualitative, review-analytical, and comparative approach. Data were collected through documentary analysis, examination of architectural drawings and historical photographs, and detailed case studies of three prominent Iranian Art Deco buildings in Tehran: Radio City Cinema, the Jeep Building, and Laleh Guesthouse. These cases were selected due to their architectural clarity, urban significance, and representativeness of different functional typologies—cultural, commercial, and hospitality—within the Art Deco spectrum. The analytical process involved qualitative content analysis and thematic coding to identify narrative-generating components such as symmetry, geometric articulation, symbolic entrances, spatial sequencing, and thematic ornamentation (4, 9). Comparative analysis was then employed to examine how these components operate across different contexts and functions, revealing both shared narrative strategies and context-specific variations. By aligning empirical observations with theoretical constructs, the study constructs a coherent framework for interpreting narrativity in Iranian Art Deco architecture without resorting to quantitative metrics, thereby preserving the experiential and interpretive depth of architectural meaning (11).

The findings demonstrate that Iranian Art Deco architecture functions as a narrative system in which spatial form actively produces meaning rather than merely reflecting stylistic trends. In Radio City Cinema, narrativity is expressed through a theatrical sequence that guides users from the urban street into a progressively immersive interior, culminating in the cinematic space itself. The building's vertical emphasis, illuminated façade, and choreographed circulation path create a narrative of anticipation and spectacle aligned with modern urban culture (9). The Jeep Building, by contrast, articulates a narrative of industrial modernity and economic power through its disciplined geometry, modular façade, and functional clarity, transforming commercial architecture into a spatial representation of technological progress (11). Laleh Guesthouse presents a different narrative structure centered on hospitality, elegance, and controlled luxury, achieved through balanced proportions, rhythmic ornamentation, and carefully staged spatial transitions that evoke comfort and prestige (51). Across all cases, form operates as a symbolic language, meaning emerges from cultural and historical associations, and narrative is constructed through the user's movement and sensory engagement with space (20, 22). These findings confirm that Iranian Art Deco architecture played an active role in shaping collective memory and urban experience, embedding narratives of modernization within the everyday life of the city.

In conclusion, this study demonstrates that Iranian Art Deco architecture cannot be fully understood through stylistic or formal analysis alone; rather, its significance lies in its narrative capacity to mediate between form, meaning, and lived

experience. By conceptualizing architecture as a narrative medium, the research reveals how Art Deco buildings in Tehran functioned as spatial storytellers that articulated modernity, identity, and cultural aspiration within the urban landscape. The proposed triadic framework of form–meaning–narrative provides a robust tool for re-reading modern architectural heritage in Iran and offers broader implications for contemporary architectural design and conservation practices. Understanding narrativity in architecture enhances our ability to interpret historical buildings not as static artifacts, but as dynamic cultural texts that continue to shape perception, memory, and identity in the city.

References

- Ryan ML. Beyond Myth and Metaphor: The Case of Narrative in Digital Media. *Game Studies*. 2004;1(1).
- Bruner J. The Narrative Construction of Reality. *Critical Inquiry*. 1991;18(1):1-21.
- Prince G. Toward a Definition of Narrative. *Narratology: The Form and Functioning of Narrative*: Mouton; 1982. p. 1-15.
- Sardari MS. Andre Godard and Maxime Siroux: Disentangling the Narrative of French Colonialism and Modern Architecture in Iran. *Iranian Studies*. 2024;57(2):265-93.
- Akhgar P, Moulis A. The Beaux-Arts System and the Construction of Iranian Architectural Modernism in the Twentieth Century. *Journal of the Society of Architectural Historians*. 2025;84(1):39-63.
- Qobadian V, Kiani M. The origins of modern architecture in Tehran: Identifying the first modern building in the capital. *Journal of Architecture and Urban Planning*. 2013;11(6):39-58.
- Khaqani S, Salehi Al-Shatti B. Investigating the influence of the Art Deco movement on First Pahlavi architecture. *Rah va Sakhteman*. 2016(118):66-76.
- Mirzaei S, Bakyassay P. An analytical approach to the Nationalist architectural style in Iran; Case study: The Shahrbani Palace of Tehran. *Green Architecture*. 2023;40(9):7-16.
- Nazidizaji S. Narration in architecture: A model for narrative-based design process. *Frontiers of Architectural Research*. 2015;4(3):237-46.
- Lyu F. Architecture as spatial storytelling: Mediating human knowledge of the world, humans and architecture. *Frontiers of Architectural Research*. 2019;8(3):275-83.
- Thomas B. *Narrative: The Basics*: Routledge; 2015.
- Todorov T. The 2 Principles of Narrative. *Diacritics*. 1971;1(1):37-44.
- Barthes R, Duisit L. *An Introduction to the Structural Analysis of Narrative*. *New Literary History*. 1975;6(2):237-72.
- Barthes R, Heath S. *Image-Music-Text*: Hill and Wang; 1977.
- Phelan J, Rabinowitz PJ. *A Companion to Narrative Theory*: Wiley-Blackwell; 2005.
- Qadir N. *Spatial effects: narrative structure in architecture*. Canada: Universidad Ryerson; 2011.
- Rowe PG, Chung Y. *Design Thinking and Storytelling in Architecture*: De Gruyter; 2024.
- Wise PH, Yoder-Wise PS. Narrative Knowing in Nursing. *Nursing Outlook*. 2003;51(2):90-4.
- Young K, Saver J. The Neurology of Narrative. *SubStance*. 2001;30(1&2):72-84.
- Falahat S. Urban Space and the Cultural Construction of Modern Subjectivities: Tehran's Women in Novels. *Architecture and Culture*. 2024:1-23.
- Pishvaei M, Zarei Hajiabadi S. Investigating key categories in contemporary Iranian architectural literature: 1946-2015. *Soffeh*. 2021;30(2):17-44.
- Mehrabani K. The Tehran I love. *Memar*. 2012(73):25-52.
- Mehrabani K. Album of Tehran's Deco-Moderns. *Memar*. 2014(89):2-11.
- Majedi I, Habib F. Principles and criteria affecting the physical identity of contemporary Iranian architecture (Case study: Second Pahlavi era). *Design and Planning in Architecture and Urbanism*. 2023;1(2):32-45.
- Kiani B, Rasitan Tehrani M. Spatial continuity in contemporary Iranian architecture: The influence of Western vs. Iranian architecture. *Naqshejahan-Theoretical Studies and New Technologies of Architecture and Planning*. 2016;5(3):52-67.
- Akhgar P. Beaux-Arts system and professionalisation of architectural education in twentieth-century Iran. *The Journal of Architecture*. 2024:1-27.
- Karimi P. *Women, Art, Freedom: Artists and Street Politics in Iran*: Leuven University Press; 2024.
- Tan FP. From words to worlds: Generative reconstruction of The Alchemist narratives. *ARSNET*. 2024;4(2):110-25.
- Mokhtari Taleghani E. *Heritage of Modern Iranian Architecture*. Tehran: Cultural Research Bureau; 2011.
- Valizadeh Arjmand A. Laleh Hotel: Vartan Hovannessian. *Memar*. 2008(53):24-7.
- Qobadian V. *Stylistics and Theoretical Foundations in Contemporary Iranian Architecture*. Tehran: Elm-e Memar; 2013.
- Qobadian V. *Foundations and Concepts in Contemporary Western Architecture*. Tehran: Cultural Research Bureau; 2013.
- Curtis WJR. *Modern Architecture Since 1900*. Tehran: SAMT; 2003.
- Moazzen M, Raesi Hassan Langi H, editors. *Research on Art Nouveau and its impact on the art world*. International Conference on Management, Culture, and Art Studies; 2023.
- Sobatsani N. Investigating influential factors in contemporary Iranian architecture: 1941-1978. *Honar*. 2012(167):32-43.

36. Sobatsani N. Methodology of Analysis and Classification of Public Buildings in Contemporary Iranian Architecture: 1941-1978. 2023.
37. Mokhtari E. Tehran's urban identity: Opportunities and challenges. *Memar*. 2012(73):20-7.
38. Goudarzi S, editor Analysis of Art Deco cultural buildings in the Pahlavi era (Case study: Yazd province). 2nd National Conference on Civil Engineering and Architecture; 2022; Qom.
39. Soroushiani S, Daniel V, Shafei B. The Architecture of Vartan Hovanessian. Tehran: Did Publications; 2008.
40. Kiani M. First Pahlavi Era Architecture. Tehran: Institute for Iranian Contemporary Historical Studies; 2014.
41. Borden E. Visual Encyclopedia of Architecture. Isfahan: Khak Publications; 2008.
42. Sadeghi S, editor Investigating factors affecting the Eclectic architectural style in Markov's works during the First Pahlavi era. Biennial Conference on Society and Contemporary Architecture; 2016.
43. Lynton N. The Story of Modern Art. Tehran: Ney Publishing; 2009.
44. Bruner J. Acts of Meaning. Cambridge, MA: Harvard University Press; 1990.
45. Iraj J. Art Deco architecture. *Rah va Sakhteman*. 2008(58):24-9.
46. Baniyasi M. Aesthetic transitions in Iranian architecture during the modernization era. *Journal of Iranian Architecture*. 2019;12(3):45-62.
47. Lucie-Smith E. The Thames & Hudson Dictionary of Art Terms. Tehran: Marlik; 2012.
48. Nasekhian S, Valibeig N, Ghasemi J, editors. Recognition of the Jeep Building in Tehran. 4th International Congress on Civil Engineering, Architecture, and Urban Development; 2016; Tehran.
49. Pakdaman B. A brief look at architectural styles and trends in Tehran. *Ketab-e Tehran*. 1997;5 & 6:119-225.
50. Gibberd V. The Architecture Reference & Specification Book. Tehran: Tarrahan-e Honar; 2008.
51. Velayati M. Urban Memory and the Spatial Narrative of Cinema Architecture in Tehran. *Iranian Studies*. 2020;53(4):529-48.
52. Abbott HP. The Cambridge Introduction to Narrative: Cambridge University Press; 2002.
53. Zandieh M, Velayati M. Symbolic meanings and stylistic transformation in Iranian urban architecture: Case of Art Deco in Tehran. *Journal of Urban Identity*. 2015;7(2):91-110.
54. Zandieh M, Velayati M, Nourian S. Collective memory and the experiential space of early cinemas in Iran. *International Journal of Architecture and Urbanism*. 2018;3(1):53-72.
55. Bremond C. The logic of narrative possibilities. *New Literary History*. 1980;11(3):387-411.
56. Yavari A. Reading Iranian modernism through architectural facades. *Modarres Quarterly of Humanities*. 2019;22(4):121-40.